

فرزندخواندگی

IFRS

مقایسه‌ی سیب با سیب

امیر پوریان سب



فرزندخواندگی یا پذیرش استانداردهای گزارشگری مالی بین‌المللی بهترین هدیه به سرمایه‌گذاران ایرانی است، چون برای اولین بار آنان قادر می‌شوند مقایسه‌های سیب با سیب را برای ارقام صورت‌های مالی فرآوری شده‌ی شرکت‌های سهامی ایرانی و غیر ایرانی انجام دهند. چرا باید این هدیه را که بسیار پرازش است و در عین حال بسیار ارزان به دست می‌آید از آنان دریغ کنیم. خبرها حاکی از این است که در بازار سرمایه دو سازمان حسابرسی، و بورس و اوراق بهادار درصدد تهیه‌ی این هدیه‌ی نفیس برای سرمایه‌گذاران و دیگر استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی هستند.

خبر اول: در بهمن ۱۳۸۹ سازمان حسابرسی اعلام کرد با سازمان بورس و اوراق بهادار به توافق رسیده است که سازمان بورس می‌تواند به ناشران اعلام کند مجاز به استفاده از استانداردهای گزارشگری مالی بین‌المللی هستند.

خبر دوم: در ۱۶ شهریور ۱۳۹۰ سازمان حسابرسی با مشارکت سازمان بورس و اوراق بهادار و انجمن حسابداران رسمی خبره (ACCA) "سمینار تخصصی استانداردهای گزارشگری مالی بین‌المللی: چالش‌ها و تغییرات" را برگزار کردند. در آن‌جا آنها ضمن برشمردن موانع پذیرش یا فرزندخواندگی تمایل شدید خود را برای فرزندخواندگی اعلام کردند. این دو خبر حاکی است که دو سازمان که

یکی استانداردگذار، و دیگری ناظر و ناظم استانداردگذاران است هم‌رای هستند که کشور ما استانداردهای گزارشگری مالی بین‌المللی را به فرزندخواندگی بگیرد. گام اول را با فرزندخواندگی مشروط برداشته‌اند چون فعلاً بر سر مجاز دانستن ناشران بورسی به توافق رسیده‌اند. آیا این همان هدیه‌ای است که سرمایه‌گذاران و بازار سرمایه را شگفت‌زده و سورپرایز خواهد کرد؟ آیا شرکت‌های بورسی در نبود ترجمه‌های فارسی استانداردهای گزارشگری مالی بین‌المللی و نیز با وجود تحمیل هزینه‌ی تهیه‌ی گزارش‌های دوگانه رغبتی به این تصمیم نشان می‌دهند؟ ما می‌توانستیم در کنار این خبرها یک گام دیگر به جلو برداریم. مثلاً بانک‌ها و شرکت‌های بیمه را که به شدت به جهانی شدن نیاز دارند ملزم به رعایت IFRS بکنیم. برای این بنگاه‌ها نیاز به ترجمه هم نیست آنها خود می‌توانند هزینه‌ی ترجمه، آموزش و استخدام متخصصان IFRS را بپردازند. آنها شدیداً موظف‌اند از مقررات بین‌المللی پیروی کنند و این هدیه می‌تواند آنها را در عضویت باشگاه‌های بین‌المللی یک گام نزدیک‌تر کند و حتی تحریم‌ها و سایر مشکلات را برطرف کند.

رویکردها و درجه‌ی التزام

پیش از ادامه‌ی بحث اجازه دهید به چند اصطلاح بپردازم که این روزها به جای هم استفاده می‌کنیم مثلاً وقتی از همگرایی استفاده

می‌کنیم منظورمان فرزندخواندگی (پذیرش) یا چیز دیگری است. در ادبیات فنی استانداردگذاری بین‌المللی این اصطلاحات با هم مترادف نیستند. در اینجا دو گروه اصطلاح نیاز به تبیین دارند.

گروه اول، شامل رویکردهای به‌کارگیری استانداردهای گزارشگری مالی بین‌المللی است و گروه دوم به درجه‌ی التزام تهیه‌کنندگان صورت‌های مالی مربوط می‌شود. در حال حاضر چهار رویکرد و دو درجه‌ی آزادی طیفی برای پیوستن به استانداردهای گزارشگری مالی بین‌المللی وجود دارد. رویکردها عبارت‌اند از: **فرزندخواندگی** یا **پذیرش (adoption)**، **همگرایی (convergence)**، **گروش (endorsement)**، و **همگروش (condorsement)**. **فرزندخواندگی** یا **پذیرش** یعنی پذیرفتن استانداردهای گزارشگری مالی بین‌المللی به جای استانداردهای ملی یا در کنار استانداردهای ملی (در مقام خواهر یا برادر ناتنی). **فرزندخواندگی** در مقابل سه رویکرد دیگر است. **همگرایی** یعنی تلاش برای نزدیک کردن استانداردهای ملی به استانداردهای گزارشگری مالی بین‌المللی و ایجاد امکان مقایسه‌پذیری. **گروش** به معنی درج استانداردهای گزارشگری مالی بین‌المللی با یا بدون تعدیل در استانداردهای ملی یا اطلاق آنها به عنوان استاندارد ملی است. **همگروش** از ترکیب دو اصطلاح همگرایی و گروش به وجود آمده است. این اصطلاح را برای اولین بار بسویک، معاون رئیس حسابداری کمیسیون بورس اوراق

بهادار نیویورک استفاده کرد. طبق این رویکرد که آمریکا تا حدودی به آن روی آورده است استانداردگذار برای استانداردهای وضع شده‌ی قبلی از همگرایی و برای استانداردهای جدید از رویکرد گروش استفاده می‌کند.

درجات التزام فقط در صورت انتخاب رویکرد فرزندخواندگی معنی می‌یابد چون فقط با فرزندخواندگی است که استانداردهای گزارشگری مالی بین‌المللی در مقام جایگزین استانداردهای ملی الزامی یا در کنار آنها مجاز دانسته می‌شوند. در دو سر طیف درجه‌ی التزام، مجاز دانستن کامل و التزام کامل قرار دارند. التزام و مجاز دانستن می‌توانند ترکیب‌های پرشماری را تشکیل دهند. مثلاً التزام برای همه‌ی ناشران بورسی و غیر بورسی؛ التزام بورسی‌ها و مجاز دانستن غیربورسی‌ها؛ التزام صنعت یا صناعی خاص مثل بانکداری و مجاز دانستن سایر صنایع و غیربورسی‌ها؛ مجاز دانستن همه‌ی بورسی‌ها و غیر بورسی‌ها؛ و ... کشورها عموماً برای فرزندخواندگی با مجاز دانستن کامل شروع می‌کنند و به التزام کامل می‌رسند. فرزندخواندگی تا قبل از رسیدن به التزام کامل، فرزندخواندگی مشروط خوانده می‌شود. معمولاً فرایند فرزندخواندگی کامل ۳ تا ۵ سال طول می‌کشد.

همان‌طور که گفته شد فرزندخواندگی طیفی از ترکیب‌های پرشمار بین دو سرطیف التزام کامل تا مجاز دانستن کامل را پیش‌روی ما قرار می‌دهد. به همین دلیل در عنوان انتخابی برای ستون چشم‌انداز این شماره از "همه‌ی راه‌ها به IFRS ختم می‌شود" استفاده شده است. این عبارت دو معنی اصلی و تحت‌اللفظی دارد که هر دو در عنوان مذکور مفید فایده هستند. معنی اصلی این است که راه‌های پرشماری برای پذیرش (فرزندخواندگی) IFRS وجود دارد. این راه‌ها ما را از ترکیب‌های پرشمار بین التزام کامل تا مجاز دانستن کامل به اردوگاه

استانداردهای گزارشگری مالی بین‌المللی می‌رسانند. بنابراین هر کشوری می‌تواند راه خود را پیدا کند. دومین معنی که تحت‌اللفظی است این است که هیچ راهی جز پذیرش IFRS ها پیش روی نداریم. نپذیرفتن موانع زیادی را سر راه توسعه‌ی کشور می‌گذارد.

ما و جهان

حالا اجازه دهید به وضع موجود نگاهی بیندازیم. بنا به گزارش هیأت استانداردهای حسابداری بین‌المللی تاکنون ۱۲۳ کشور از ۱۹۳ کشور عضو سازمان ملل استانداردهای گزارشگری مالی بین‌المللی را پذیرفته‌اند. در حدود ۱۰ کشور تا سال ۲۰۱۲ این استانداردها را خواهند پذیرفت. با این حساب، شمار کشورهای اردوگاه IFRS تا ۲۰۱۲ به ۱۳۳ کشور یعنی در حدود ۷۰ درصد کشورهای عضو سازمان ملل می‌رسد.

به علاوه، بنا به گزارش موسسه‌ی حسابداری کی‌پی‌ام‌جی در حدود ۴۰ کشور، مثل ایران، که از استانداردها یا اصول حسابداری پذیرفته‌ی همگانی ملی استفاده می‌کنند عمدتاً مدعی می‌شوند که استانداردها یا اصول آنها "مبتنی بر"، "مشابه با"، یا "همگرا با" استانداردهای گزارشگری مالی بین‌المللی است. با این حساب در حدود ۱۷۳ کشور از ۱۹۳ کشور جهان یا (۱) استانداردهای گزارشگری مالی بین‌المللی را با درجه‌ای از آزادی پذیرفته‌اند، یا (۲) مدعی همگرایی، گروش، یا همگروش هستند که به عبارتی مدعی عدم مغایرت عمده با آنها هستند. پرسش این است که در حال حاضر نسبت کشور ما با استانداردهای گزارشگری مالی بین‌المللی چیست؟ با این که ممکن است تا به حال حدس زده‌باشید ولی شاید با خواندن سطور بعدی متحیر شوید. آخرین بند استانداردهای حسابداری کشورمان که در زیر میان تیتیر "مطابقت با استانداردهای حسابداری"

می‌آید می‌گوید "با اجرای الزامات این استاندارد مفاد استانداردهای بین‌المللی حسابداری شماره‌ی XX با عنوان استاندارد... نیز رعایت می‌شود". این گزاره به چه معنی است؟ با کدام ادعای "مبتنی بر"، "مشابه با" یا "همگرا با" همخوانی دارد؟ به نظر می‌رسد کشورهایی که از این گزاره استفاده می‌کنند و ما این را از آنها اقتباس کرده‌ایم از رویکرد "همگرایی" استفاده می‌کنند. پس تا این جا باید بپذیریم که مساله‌ی همگرایی اساساً در کشور ما قبلاً رخ داده است. چون ما از ۱۳۷۸ برابر ۱۹۹۹ که "استانداردها" با عنوان "رهنمودها" منتشر شدند یعنی ۶ سال قبل از اتحادیه‌ی اروپا (که در ۲۰۰۵ به IFRS پیوست) و ۱۱ سال قبل از آمریکا اعلام و ادعا کرده‌ایم که با استانداردهای گزارشگری مالی بین‌المللی همگرا هستیم. بلی تعجب نکنید. ولی روش‌شناسی ما **گروش** است چون زمانی که شروع به استانداردگذاری کردیم استانداردهای بین‌المللی را با رویکرد گروش با اندکی تعدیل به عنوان استانداردهای خودمان اعلام کردیم. صرف‌نظر از این که روش‌شناسی استانداردگذاری و محتوای استاندارد با ادعای آن یعنی همگرایی می‌خواند یا خیر، خبر خوب این است که ما اساساً دغدغه‌ی هم‌گرایی یا گروش نداریم. چون از مدت‌ها پیش همگرا شده‌ایم و در روش‌شناسی از گروش استفاده می‌کنیم. ما حتی همین الان می‌توانیم به هیأت استانداردهای حسابداری بین‌المللی و جهان اعلام کنیم که ۱۲ سال است با استانداردهای گزارشگری مالی همگرا هستیم. شاید آنها از وجود گزاره‌ی فوق در استانداردهای ما اطلاعی ندارند. به هر حال حالا رویکرد ما فرق کرده است و فرزندخواندگی مشروط را با مجاز دانستن ناشران بورسی به عنوان رویکرد جدید پذیرفته‌ایم. پس دغدغه‌ی ما حالا باید فرزندخواندگی یا پذیرش کامل باشد. چون فقط، فرزندخواندگی کامل است که مقایسه‌ی سیب با سیب را امکان‌پذیر می‌سازد.